

دو زبانی و روش های تدریس زبان فارسی در دوره ی ابتدایی

نگین علی اکبری^۱، زینب نصیری زرنندی^۲

۱- کارشناس علوم تربیتی، آموزگار شاغل منطقه ی افشار استان زنجان

۲- کارشناس علوم تربیتی، آموزگار شاغل منطقه ی افشار استان زنجان

چکیده

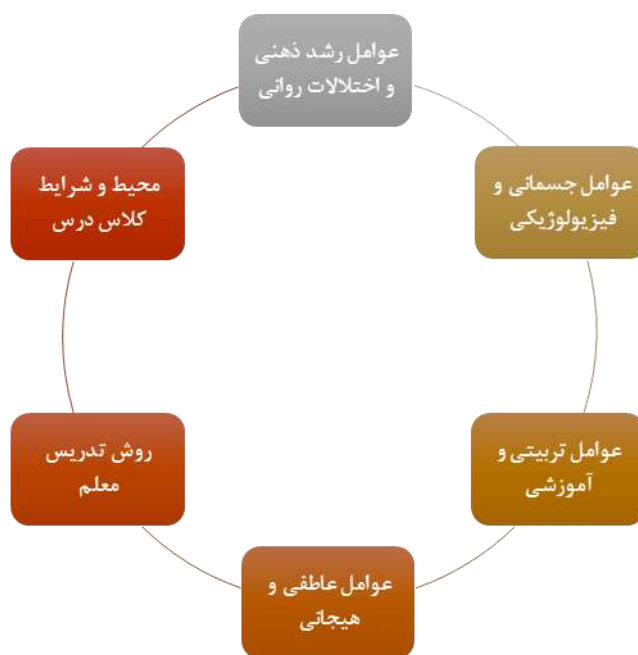
زبان وسیله اصلی ارتباط، تفهیم و تفاهم است و بنیاد همه فعالیت های ذهن انسان را تدارک می بیند؛ ولی برای کودکان دو زبانه، گاهی سد راه ارتباط، تفهیم و تفاهم می گردد. چگونگی ارتباط میان دوزبانی و تعلیم و تربیت از موضوعات مهمی است که امروزه سیاستگذاران آموزشی، برنامه ریزان، روانشناسان، زبان شناسان و معلمان با آن مواجهند. باتوجه به این که در سیستم آموزشی کشور ایران کودکان دو زبانه در بدو ورود به مدرسه باید مسائل خود را به زبان فارسی حل کنند، به دلیل ناتوانی در درک مطالب به زبان فارسی، همواره در معرض خطر افت تحصیلی، گوشه گیری و ترک تحصیل قرار دارند. یکی از راهکارهای مقابله با این مسئله، تعلیم و تربیت دو زبانه است. تعدادی از مطالعات خارج از کشور در زمینه تعلیم و تربیت دو زبانه در کشورهای مختلف نشان می دهند که چنین آموزش هایی دارای نتایج مثبتی است. تعلیم و تربیت دوزبانه برنامه های آموزشی هستند که طی آن ها دانش آموزان با توانش پایین در زبان رسمی آموزشی، تعدادی از دروس خود را با کمک زبان مادری شان یاد می گیرند. در این مرحله نقش معلم در کلاس درس و تاثیر شیوه های تدریس او به خصوص در درس فارسی دوچندان می گردد. در مطالعه حاضر تلاش بر این بوده است تا شیوه های تدریس اثر بخش معلمان مناطق دوزبانه در زمینه آموزش درس فارسی دوره ابتدایی مورد بررسی قرار گیرد. شیوه ی پژوهش در این مقاله شیوه ی مروری و با استناد به کتب معتبر و مقالات پژوهشی چند سال اخیر می باشد. در انتها پیشنهادهایی جهت استفاده همکاران محترم ارائه گردیده است.

واژه های کلیدی: دوزبانی، روش تدریس، تعلیم و تربیت، معلم.

۱. مقدمه

در زبان کلامی خواندن تنها شناسایی و فهم و درک نمادهای مکتوب است. سازگاری با محیط خواندن یک نیاز ضروری برای هر فرد است. تقریباً می‌توان مدعی شد که یک زندگی متعادل و رضایت بخش بدون داشتن توانایی در مهارت خواندن به ندرت قابل تصور است. جامعه‌ای که افراد آن خواننده خوبی باشند با معارف و دانش‌های بشری در گذشته و حال آشنا می‌شوند و از این طریق می‌توانند درباره موقعیت فرد و اجتماع قضاوت و انتقاد کنند. در این صورت چنین قضاوت‌هایی امکان رفع معایب و نواقص را فراهم نموده و به تقویت محاسن منجر می‌شود سبب تکامل و پیشرفت بیشتر فرد و جامعه نیز خواهد شد.

بیش از نیمی از ساکنان کره زمین را افراد دوزبانه تشکیل می‌دهند. ایران نیز یکی از کشورهایی است که علاوه بر داشتن شرایط اقلیمی متفاوت و وجود اقوام گوناگون دارای زبان‌ها و گویش‌ها و لهجه‌های متعددی است. مطابق اصل پانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران زبان فارسی به عنوان زبان رسمی کشور محسوب می‌شود. بدین سبب علاوه بر دانش‌آموزانی که زبان مادری آنان فارسی یا یکی از گویشهای آن است کسانی که به زبانی غیر از زبان فارسی تکلم می‌کنند نیز می‌بایست مهارت خواندن و نوشتن فارسی را بیاموزند. آموزش خواندن و نوشتن فارسی به این دانش‌آموزان مستلزم شناخت کافی از روشهای آموزش زبان فارسی به عنوان زبان دوم است. عواملی که در خواندن به نحوی تاثیر می‌گذارند و ممکن است پیشرفت یا عدم پیشرفت دانش آموز به یک یا چند تا از آنها مربوط گردد باید مورد توجه قرار گیرد. معلم موفق باید این عوامل را کاملاً بشناسند و از کیفیت تاثیر هرعامل در جریان خواندن آگاه باشد. به طور کلی عوامل موثر در خواندن عبارتند از:



نمودار ۱ عوامل موثر در خواندن

۲. تعاریف مهم

زبان^۱: زبان نظامی منسجم از قواعد و نشانه های قراردادی آوایی است که به صورت خلاق و بدون وابستگی به زمان و مکان در جوامع انسانی ایفاگر نقش های متعددی است که مهم ترین آن ها نقش ارتباطی است. زبان در فرآیند تفکر انسان نقش عمده - ای ایفا می کند که از این نقش زبان با عنوان "تکیه گاه اندیشه" یاد می شود.

تدریس^۲: تدریس به آن قسمت از فعالیت های آموزشی که با حضور معلم در کلاس درس اتفاق می افتد اطلاق می شود و هدفش ایجاد شرایط مطلوب یادگیری از سوی معلم است. در تدریس حداقل سه ویژگی برشمرده می شود:

- ✓ وجود تعامل بین مدرس و یادگیرنده (نه یک جریان یک طرفه که مدرس مثل ضبط صوت مباحث را تکرار کند)
 - ✓ وجود اهداف از قبل تعیین شده (که مدرس بداند به چه هدفی این فعالیت ها را انجام دهد)
 - ✓ ایجاد فرصت مناسب و آسان برای یادگیری. (تا یادگیرنده بتواند به آسان ترین روش ممکن موضوع را فرا بگیرد)
- دوزبانگی^۳: دوزبانگی عبارت است از موقعیتی که در آن شخص برای برقراری ارتباط با دیگران به طور متناوب از دو یا چند زبان استفاده می کند چنین حالتی را دوزبانگی و چنین کسی را دوزبانه می نامیم. دوزبانگی با توجه به معیار هایی از قبیل: نوع یادگیری، میزان تسلط بر دو زبان، نقش اجتماعی زبان، گونه های زبان تقسیمات گوناگونی دارد.
- بر اساس نقش اجتماعی زبان، دوزبانگی به صورت های خانگی مدرسه ای و خیابانی بروز می کند. در دوزبانگی مدرسه ای فرد از زبان دوم فقط در مدرسه و برای آموزش و یادگیری استفاده می کند. (زندى، ۱۳۹۴)

۳. عوامل موثر در یادگیری و آموزش زبان دوم:

۱- سن زبان آموز ۲- ویژگی های روانشناختی زبان آموز ۳- عوامل اجتماعی فرهنگی محیط زندگی زبان آموز ۴- ویژگی های زبان مادری زبان آموز

سن زبان آموز: معمولاً زبان آموزان را به دو دسته تقسیم می کنند: کودکان و نوجوانان، بزرگسالان. از این لحاظ اکثر روانشناسان زبان بر این عقیده اند که هرچه سن زبان آموز کمتر باشد، فراگیری زبان دوم آسان تر صورت می گیرد. اریک لنه برگ^۴ در سال ۱۹۶۷ استدلال کرد که دوره بحرانی فراگیری زبان تقریباً بین دو سالگی تا دوره بلوغ یعنی ۱۴ سالگی است چرا که در سن بلوغ کارکرد زبان در نیمکره های مغز انسان به نفع نیمکره چپ به اصطلاح یک سویه می شود و در نتیجه انعطاف پذیری مغز که برای یادگیری طبیعی زبان دوم ضروری است از بین می رود. روی هم رفته می توان گفت هرچند بزرگسالان و کودکان هر کدام نسبت به هم از امتیازاتی در یادگیری زبان دوم برخوردارند، سرانجام این کودکان هستند که معمولاً موفقیت بیشتری کسب می کنند. بنابراین لازم است در کشور ما در مورد کودکانی که دارای گویش های محلی هستند مطالعاتی انجام شود تا آنان همگام با آموزش مهارت های خواندن و نوشتن بر مهارت صحبت کردن و گوش دادن نیز تسلط یابند.

عوامل اجتماعی فرهنگی محیط زبان آموز: در کنار توجه به ویژگی های ذهنی زبان آموز باید به بافت فرازبانی یادگیری زبان دوم هم توجه کرد. بنابراین، زبان آموز نه تنها باید با قواعد و ساختار زبان دوم آشنا شود، بلکه باید رفتار اجتماعی و فرهنگی

^۱ Language

^۲ Training

^۳ Bilingualism

^۴ Lennebrg Eric

آن جامعه زبانی را هم بیاموزد. خوشبختانه دانش آموزانی که در اقصی نقاط کشور پهنور ما به زبان ها و گویش های محلی خود صحبت می کنند در یادگیری زبان فارسی با مشکلات چندانی در زمینه های فرهنگی روبرو نمی شوند. چراکه با وجود تنوعات زبانی قومی و جغرافیایی به دلیل همبستگی تاریخی چند هزار ساله، دین مشترک، نظام اداری و آموزش متمرکز و همچنین وجود رسانه های فراگیر مانند رادیو و تلویزیون در بیشتر مسائل فرهنگی وحدت نظری و عملی قابل توجهی بین همه مردم ایران به چشم می خورد. از طرف دیگر دانش آموزان غیر فارسی زبان ایرانی، زبان فارسی را به عنوان زبان دوم در محیط اجتماعی خود فرا می گیرند، نه در محیط اجتماعی شهرهای فارسی زبان. بنابراین می توان با گزینش محتوای مناسب، از تعارضی که ممکن است بین فرهنگ زبان مادری و فرهنگ زبان دوم رخ دهد، اجتناب کرد.

۴. شرایط مطلوب دوزبانه شدن

دوزبانگی به دوصورت اتفاق می افتد: یکی در شرایط طبیعی و در محیطی که زبان دوم یا هر دو زبان به عنوان وسیله ارتباطی به کار می رود و کودک بدون معلم کلاس و کتاب صرفاً با قرار گرفتن در محیط زبان دوم به مرور زمان عناصر و قواعد زبان دوم را ناخودآگاه استخراج و جذب می کند. دوم اینکه می توان خارج از محیط زبان دوم به وسیله برنامه آموزشی و عناصر آن مانند معلم مواد آموزشی روش تدریس و... یادگیری زبان دوم پرداخت. در هر دو صورت یاد گرفتن زبان مستلزم داشتن مجموعه ای از توانایی ها است.

شرایط زبان آموزی را از لحاظ ماهیت می توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱- استعدادهای فطری: به آن دسته از توانایی های ذهنی انسان اطلاق می شود که به طور کلی امکان یادگیری زبان را به ما می دهد. مانند استعداد و شخصیت.

۲- توانایی های اکتسابی: شبکه ای از توانایی ها و مهارت هایی است که زبان آموز در طول زمان و به کمک توانایی های فطری کسب می کند.

توانایی های اکتسابی یادگیری زبان عبارت اند از:

۱- توانایی های آوایی: توانایی های آوایی تسلط بر نظام آوایی زبان دوم را میسر می سازند این توانایی ها عبارتند از: حساسیت شنوایی، حساسیت تلفظی، مهارت در تولید و ادراک

۲- توانایی های واژگانی: این توانایی زبان آموز را یاری می دهد تا بر روابط واژگانی زبان دوم تسلط یابد. مثال: ذخیره مناسب واژگانی از کلمه های زبان دوم.

۳- توانایی های دستوری: توان تمایز بین اقسام کلمه و اجزای جمله، جایگاه و نقش صرفی و نحوی کلمه و ...

۴- توانایی های سبکی: به وسیله این توانایی ها می توان سبک های مختلف رسمی، دوستانه، مودبانه و... را تشخیص داد.

۵- شم زبانی: استفاده ناخودآگاه از زبان و درونی شدن قواعد زبان دوم در ذهن را شم زبانی می نامند.

۶- تفکر به زبان دوم: دانش آموزان غیر فارسی زبان با کسب توانایی تفکر به زبان فارسی می توانند علاوه بر درس های فارسی و املا، در درس هایی مثل جمله نویسی و انشاء، که به شدت به اندیشه ورزی و خلاقیت زبانی متکی هستند نیز توفیق حاصل کنند. توان اندیشیدن به زبان فارسی، آنان را در کسب موفقیت در درس های تاریخ، جغرافیا و ... که مواد آموزشی آن ها به زبان فارسی تهیه می شود یاری خواهد کرد. بنابراین هدف نهایی آموزش زبان فارسی به دانش آموزان غیر فارسی زبان به عنوان زبان دوم باید این باشد که آنان به توانایی اندیشیدن به زبان فارسی مسلط شوند.

۵. رویکردها و روش های آموزش زبان فارسی

نکات و اصول مهمی که می توان از آن ها در یک برنامه مدون آموزش فارسی به دانش آموزانی که دارای گویش های محلی هستند، سود جست عبارتند از:

۱- روش های رویکرد نوشتار بنیاد

الف) روش دستوری: در این روش قواعد دستوری زبان دوم با گروهی از کلمات به زبان آموزان آموخته می شود. سپس آنان بر طبق قواعد دستور زبان دوم، با کلمات مربوط جمله های کتبی می سازند و می نویسند. در این روش به کسب دانش دستور زبان بیشتر از کاربرد زبان اهمیت داده می شود و تدریس شفاهی زبان مورد توجه واقع نمی شود.

ب) روش ترجمه: در این روش با ارائه متون نوشتاری در کلاس با استفاده از زبان مادری به ترجمه متون پرداخته می شود. در آغاز فقط از زبان دوم به زبان مادری ترجمه صورت می گیرد و سپس سعی می شود شاگردان ترجمه از زبان مادری به زبان دوم را بیاموزند.

ج) روش ترجمه و دستور: این روش از قدیمی ترین روش های آموزش زبان به شمار می رود. در این روش گفت و شنود نقش مهمی ندارد و آموزش زبان دوم از راه ترجمه و حفظ کردن قواعد دستوری انجام می گیرد. مهم ترین ایرادی که به این روش وارد شده است عدم توجه آن به زبان گفتاری و ناتوانی در ایجاد مهارت زبان شفاهی در زبان آموزان است. زبان شفاهی مهم ترین وسیله ارتباطی انسان است و معنای دوزبانی در اصل، تسلط بر مهارت برقراری ارتباط شفاهی به کمک زبان دوم می باشد.

د) روش خواندن: در این روش، متون به قسمت های کوتاهی تقسیم می شود و قبل از هر قسمت، فهرستی از کلمات وجود دارد. پس از این که زبان آموز به سطح معینی از معلومات واژگانی رسید، متون تکمیلی دیگری را به صورت داستان های کوتاه یا رمان های ساده شده است در اختیار او می گذارند تا معلومات واژگانی اش را تحکیم و تقویت کنند.

۲- روش های رویکرد گفتار بنیاد

الف) روش های مستقیم: فلسفه اصلی روش های مستقیم مبتنی است بر آموزش مستقیم زبان دوم به کمک خود آن زبان بدون دخالت زبان مادری شاگردان. در این روش ها یادگیری بر اساس تقلید و تکرار از معلم استوار است.

به طور کلی آموزش در روش های مستقیم بر سه اصل استوار است:

۱. آموزش بدون دخالت زبان مادری

۲. تقلید از معلم و تکرار مطالب وی

۳. استفاده از شم زبانی

مهم ترین روش های مستقیم عبارت اند از: روش به گزینی، روش فعال، روش اصلاحی (شفاهی)، روش سمعی - بصری، روش طبیعی، روش روانشناختی، روش کنترل زبانی، روش های شباهت زبانی

ب) روش تک ساختی: در روش تک ساختی بعد از ارائه تک جمله های هر درس به زبان آموزان، به انجام سلسله ای تمرینات ساختاری پرداخته می شود. گفتگو در پایان درس و بر اساس جمله های تک ساختی اولیه ساخته می شود. به طور خلاصه زبان جمله به جمله تدریس می شود.

ج) روش تلقینی: این روش زبان آموزی توسط گئورگی لازانف^۵ در سال ۱۹۷۸ پیشنهاد شده است و این روش بر این فرض استوار است که باید از امکانات شناختی و عاطفی انسان برای تسلط بر زبان دوم استفاده کرد.

۴) روش برنامه ریزی شده: شیوه های علمی این روش توسط اسکینر^۶ در سال ۱۹۴۵ بیان شده و بنیاد اساسی این روش آن است که مواد آموزشی به واحد های کوچکتری تقسیم شود تا شاگردان بتوانند آنها را اندک اندک و هماهنگ با پیشرفت فردی خود یاد بگیرند.

۶. مبانی عملی زبان آموزی در مناطق دو زبانه

در جریان تدریس واحدهای درسی باید سعی شود کودکان با تلفظ و معنای عناصر زبانی تعیین شده برای هر واحد آشنا شوند. سپس با به کار گرفتن هر عنصر در ساخت انواع جمله و با شرکت دادن همه کودکان به صورت انفرادی و گروهی جریان یاددهی-یادگیری ادامه یابد.

باید توجه شود که تنها از جمله های خبری مثبت و به صورت فرمایشی استفاده نشود؛ بلکه سعی شود انواع جمله های زبان فارسی اعم از جمله های خبری، پرسشی، امری و تعجبی چه در وجه مثبت و چه در وجه منفی مورد استفاده قرار گیرند؛ چراکه جمله اصلی ترین و بزرگترین واحد زبان است و کودکان غیر فارسی زبان تنها هنگامی به زبان شفاهی (گفتن و شنیدن) فارسی مسلط می شوند که به کارگیری صحیح انواع جمله را در قالب مکالمه های مختلف آموخته باشند.

در این واحدها ابتدا بر مسئله درست گوش دادن و درست فهمیدن تکیه می شود و در نهایت به مسئله درست حرف زدن تاکید می گردد. پس از چند جلسه که آموزش زبان فارسی با روش نمایشی و مربی محور انجام شد باید در پی استفاده از روش اکتشافی باشیم.

برای فعال کردن کودکان در فعالیت های یاددهی-یادگیری از روش تدریس حل مسئله استفاده می کنیم که بهترین روش، روش تدریس اکتشافی^۷ می باشد.

الگوی حل مسئله دارای پنج مرحله به شرح زیر است:

۱. مواجه ساختن کودکان با مسئله:

در این مرحله از الگو مربی به جای اینکه خود فعال و متکلم وحده باشد با طرح مسئله یا مشکل موقعیتی را به وجود می آورد که کودکان خود را در حال مقابله با مشکل احساس کنند و انگیزه لازم را جهت حل آن در خود ایجاد نمایند. مسئله یا مشکل را می توان به طرق گوناگون طرح نمود. به عنوان مثال می توان برای طرح مسئله از لوحه، چارت، عکس و دیگر ابزار آموزش استفاده کرد که کودکان ضمن یادگیری تلفظ و معنای عناصر زبانی و درک و تولید جمله های شفاهی با مسئله مواجه می شوند.

^۵ Georgi Lozanov

^۶ Skinner

^۷ Exploratory teaching method

۲. هدایت کودکان برای جمع آوری اطلاعات کودکان: پس از مواجهه با مسئله باید اطلاعات لازم را جهت حل آن جمع آوری کنند. مشکل باید طوری طرح شود که کودکان قادر به حل آن باشند تا اطلاعات عمومی اجتماعی و فرهنگی آنها ضمن زبان آموزی توسعه یابد و از حیث روانشناختی پاداش و تقویت انگیزه طی مراحل بعدی را تسهیل کند

۳. فرضیه سازی: منظور از فرضیه همان راه حل احتمالی مشکل یا مسئله است که کودک پس از پرسش و پاسخ و کسب اطلاعات از مربی به طریق حدس و گمان و سریع تلفیق اطلاعات و تجربیات قبلی خود با اطلاعات و شواهدی که مربی در اختیار وی قرار می دهد به آن میرسد

۴. فرضیه آزمایی: فرضیه راه حل احتمالی مشکل است که کودک با حدس و گمان آن را مطرح می سازد و لازم از آن را تست یا آزمایش کند

۵. نتیجه گیری، تعمیم و کاربرد: یکی از مزایای استفاده از الگوی حل مسئله در ضمن زبان آموزی کمک به کودکان برای توفیق بیشتر در یادگیری دانش و مهارت های یادگیری است. بدین ترتیب کودکان در پایان هر واحد زبان آموزی موفق به حل مسئله یا مشکل می شود که در کنار زبان آموزی آنان را در مواجهه با مسائل واقعی زندگی یاری می کند. (زند، ۱۳۹۳)

۷. بحث و نتیجه گیری

آموزش زبان شفاهی فارسی نه تنها خود جزو اهداف آموزشی اصلی است بلکه می تواند دانش زبانی افراد را نیز تقویت کند. چرا که داشتن دانش زبانی کافی برای یادگیری تمام درس ها از جمله ریاضیات علوم و تاریخ شرط اساسی است. علت اینکه بسیاری از افراد در یادگیری موفق نیستند کمبود دانش زبانی است. بنابراین اگر دانش زبانی دارای این درجه اهمیت باشد که در پیشرفت تحصیلی و برعکس در افت تحصیلی نقش عمده ای ایفا کند، باید توجه بیشتری به آن داشته باشیم. کار آموزش باید چنان باشد که کودکان تمام ساخت های زبان فارسی را در ذهن خود جذب کنند تا در دوره های تحصیلی ابتدایی راهنمایی و دبیرستان دچار افت تحصیلی نگردند.

باورهای معلمان یکی از عوامل تعیین کننده میزان آگاهی، راهکارها و شیوه های تدریس آنهاست که تاثیر بسزایی بر رفتار آموزشی و در نتیجه پیشرفت دانش آموزان دارد. با تکوین باورهای آموزشی معلمان در فرایند یادگیری و آموزش زبان، روش های تدریس به گونه ای مناسب شکل می گیرند و توانایی یادگیری زبان دانش آموزان بهبود می یابد. بنابراین یکی از بخش های مهم دوره های تربیت معلم در مناطق دوزبانه باید تاکید بر رشد باورهای مثبت معلمان درباره یادگیری زبان دوم باشد و برنامه های آموزشی ضمن خدمت این معلمان در جهت تغییر عقاید معلمان دوره ابتدایی در زمینه رشد زبان آموزی باشد.

آموزگاران باید در مورد تنوع زبانی و فرهنگی بچه ها در مدرسه فعال شوند برای مثال از دانش آموزان بخواهند مضاف بر زبان آموزشی به زبان مادری خود نیز مطالبی را روی کاغذ بیاورند و کتاب های دوزبانه بنویسند. چنان چه توانایی های دوزبانه بچه ها در همان دوره ابتدایی رشد داده شود، آنها درک عمیق تری از زبان پیدا می کنند و می آموزند چگونه این توانایی ها را به کار ببندند. معلمان باید برای دانش آموزان ارزش یادگیری زبان دوم را روشن سازند و آن ها را متوجه این امر نمایند که دوزبانگی، یک توانایی زبانی و فکری و هوشی بسیار بااهمیت می باشد.

اگر کادر آموزشی در مدرسه یک برنامه زبانی و به ویژه برنامه درسی ای را تهیه کند که سرمایه زبانی و فرهنگی بچه ها را در کل ارتباطات مدرسه ای مورد توجه و حمایت قرار دهد، آئینه مثبت و تایید شده ای را در مقابل بچه های چند زبانه قرار می دهد.

سیاستگذاران آموزش و پرورش و مولفان کتب درسی در دوره ابتدایی مخصوصا در سال اول ابتدایی، در تالیف کتب بیش از قبل دانش آموزان دوزبانه را مدنظر داشته باشند. تا به این شکل دانش آموزان مطابق با توانایی و ظرفیت خود آموزش ببینند. کوتاه سخن این که اگر چشمان خود را بر روی توانایی های زبانی، فرهنگی و فکری که دانش آموزان با خود از محیط خانه به درون مدرسه و جامعه می آورند، بگشاییم، سرمایه فرهنگی، زبانی و فکری جوامع رشد خواهد نمود.

۸. منابع

۱-Sasan Baleghizadeh Human(۲۰۰۸).Societal Bilingualism and Second Language Education. Sciences: No ۶: ۴۳-۵۲

۲-Baker, Colin; Wright, Wayne E (۲۰۱۷). Foundations of Bilingual Education and Bilingualism. Sixth Edition

۱. زندگی، بهمن(۱۳۹۳). زبان آموزی. تهران: نشرسمت، چاپ سیزدهم

۲. زندگی، بهمن(۱۳۹۴). روش تدریس زبان فارسی در دوره دبستان. تهران: نشرسمت، چاپ شانزدهم

۳. طباطبایی، سیدمصطفی(۱۳۹۲). روانشناسی زبان با تاکید بر زبان فارسی. تهران: نشرلوح زرین، چاپ اول